

<http://physicsweb.org/article/news/4/1/13>

2000/01/28

فیزیک‌پیشه‌ی ادیب داستان‌های تخیلی را مزمره می‌کند

او با کتاب علمی عامه‌فهمش در مورد آگاهی (فکر جدید امپراطور [1]) موفقیت بزرگی به دست آورد و حالا وارد دنیای داستان‌های تخیلی شده است. راجر پنروز [2] فیزیک‌ریاضی‌پیشه‌ای است که شهرت‌ش برای ریافت کوانتم مکانیکی‌ش به فکر و نیز کار مشترکش با ستیفن هاوکینگ [3] در مورد سیاه‌چاله‌ها است. پنروز اخیراً با نویسنده‌ی داستان‌های علمی-تخیلی (برایان آلدیس [4]) داستان‌ی چاپ کرده است.

بهرام سفید [5] در مورد گروهی از مردان و زنان است که اواخر قرن 21م در بهرام گیر افتاده‌اند. آن‌ها در یک محفظه‌ی گنبدی بزرگ خودگردان زندگی می‌کنند. غذا و اکسیژن‌شان را همان‌جا تولید می‌کنند و آب موردنیازشان را هم از هسته‌ی این سیاره به دست می‌آورند. در این دنیای سخت بهرام، اعضای گروه می‌خواهند یک مدینه‌ی فاضله بسازند. این کتاب در مورد آن است که آیا می‌توان چنین جامعه‌ای ساخت و آیا انسان‌ها می‌توانند دنیا بی‌بهرتر و آینده‌ای شادتر بسازند.

تصادف باعث شد این دو نویسنده کنار هم قرار بگیرند. آلدیس (که بیش از 20 داستان نوشته است) تصمیم گرفته بود خانه‌اش در نزدیکی آکسفورد [6] را بفروشد. پنروز (که در دانش‌گاه آکسفورد بود) می‌خواست خانه‌اش را عوض کند و یک بنگاه خانه‌ی آلدیس را به او نشان داد. بالأخره پنروز خانه‌ی آلدیس را خرید و طی مذاکرات مربوط به معامله، دونویسنده با هم دوست شدند.

یک شب آلدیس رویای زنده‌ای دید در مورد گروهی از مردم که در بهرام زنده‌گی می‌کنند. خودش می‌گوید: ”از خواب بلند شدم و بلافاصله رویای خود را نوشتم. بعد پیش راجر رفتم و قصه‌ام را گفتم. به نظر راجر فکر خوب‌ی بود. علاقه‌مند شد در نوشتن کتاب شریک باشد. رویای آن‌شب هسته‌ی اصلی کتاب را ساخت.“

از خوش‌شانسی آلدیس، پِنرُز از طرف‌دارانِ داستان‌های علمی-تخیلی بود و به کسانِ ی مثل آیزاک آسیمُف [7]، آرتور سی کُلاک [8]، و جان وایندهَم [9] علاقه داشت. پِنرُز می‌گوید: ”مدتِ ی بود احساس کرده بودم ممکن است به داستان‌های علمی-تخیلی بپردازم و سپس به‌طورِ اتفاقی همکاری با بُریان رخ داد. شاید فکرِ کتابِ ی در موردِ یک مدینه‌ی فاضله کسالت‌بارِ ی رویایی به نظر برسد، ولی من فکر نمی‌کنم این طور شود.“

هم‌کاریِ دونویسنده واقعاً چه‌گونه بود؟ آلدیس می‌گوید: ”به‌سختی می‌توان گفت دقیقاً چه‌گونه بود، چون خیلِ ی طول کشید. مثلِ یک ازدواج بود، حتا برای خودمان هم مثلِ یک راز بود.“ به‌هرحال، آلدیس می‌گوید فصلِ 11 را (که به گفته‌ی او بیش‌تر بخشِ علمی پیچیده‌ی کتاب آن‌جا است) پِنرُز نوشته است. ”اما راجر واقعاً متفکرِ جسوری بود و در جاهای دیگر هم سهمِ بزرگِ ی داشت.“

پِنرُز متواضع‌تر است. او می‌گوید: ”اساساً همه چیز را بُریان می‌نوشت و من فقط کمِ ی گفت‌وگو برای توضیحِ نکته‌های علمی اضافه کردم. البته نظرهای ی هم دادم که تغییرِ قابلِ ملاحظه‌ای در طرحِ قصه به وجود آورد. این کار با کارِ معمولِ من کاملاً فرق داشت و این امکان برای‌م به وجود آمد که پی‌آمدهای بعضی از فکرهای علمی عجیب را بررسی کنم.“

یکی از مشکلاتِ پِنرُز این بود که بعضی از فکرهای علمی-تخیلی خیلِ ی به فکرهای علمی خودش نزدیک بودند. ”می‌خواستم بین این دو فرق بگذارم و مطمئن شوم دانشِ علمی پذیرفته‌شده‌ی رایج به‌درستی در کتاب به کار می‌رود.“ یکی از راه‌های حلِ این مشکلِ شخصیتِ ی به اسمِ تُرگین [10] است. این شخصیت مفهوم‌های رایج فیزیک را کشف می‌کند. ”داستان این است که تُرگین چیزهایی در باره‌ی آگاهی می‌گوید که بی‌شبهت به نظراتِ خودم نیست. فعلاً نظریه‌های من را غیررایج می‌دانند. در داستان این‌ها به عنوانِ چیزهای منسوخ ارائه می‌شوند.“

آیا پِنرُز برنامه‌ای برای داستان‌های علمی-تخیلی دیگر هم دارد؟ ”بله، فکر می‌کنم می‌خواهم این کار را ادامه دهم، اما نمی‌دانم به تنهایی یا با بُریان. مسئله فقط پیدا کردنِ وقت است.“

[1] The Emperor's New Mind

[2] Roger Penrose

- [3] Stephen Hawking
- [4] Brian Aldiss
- [5] White Mars
- [6] Oxford
- [7] Isaac Asimov
- [8] Arthur C Clarke
- [9] John Wyndham
- [10] Thorgeson